

## بررسی تطبیقی نقوش براق در نگاره‌های معراج دوران اسلامی با برخی از لگام‌های مفرغی لرستان

مریم خسروی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان

علیرضا طاهری\*

دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

### چکیده

در روایات اسلامی به معراج پیامبر به‌وسیله مرکبی شگفت‌انگیز بنام «براق»، اشارات زیادی شده است. تصاویر و توصیفات متفاوتی از براق، در نگاره‌ها و متن‌های ادبی برجای مانده است. همچون: استر، اسب یا موجودات چهارپای بالدار یا بدون بال و غیره. در عرفان و تصوف نیز «براق» دارای تفاسیر و مفاهیم ویژه‌ای است. با توجه به این توصیفات، براق در زمره موجودات ترکیبی «انسان- حیوان» قرار می‌گیرد. موجودات تخیلی- ترکیبی پیشینه‌ای اساطیری دارند که نمونه‌های خارق‌العاده‌ای از آن در هنر مفرغ کاری لرستان خلق شده‌اند. سؤال پژوهش: بین ساختار فیزیکی و مفهوم نمادین براق و نقوش مفرغی مشابه آن در لرستان چه قرابتی وجود دارد؟ نقوش ترکیبی «انسان- حیوان» در تزیینات دهنه اسب مفرغ‌های لرستان تصویر و برجسته‌کاری شده‌اند از نظر ظاهری شباهت بسیاری بین آن‌ها و براق وجود دارد. این پژوهش باهدف تطبیق ظاهری و مفهومی این نقوش برای پی‌بردن به پیشینه اساطیری براق و همچنین دست یافتن به مفهوم و کاربرد لگام‌های یافت شده در لرستان، با روش توصیفی- تطبیقی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است. با توجه به یافته‌ها می‌توان نقوش براق تصویر شده در صحنه‌های معراج پیامبر را متأثر از نقوش ترکیبی مفرغ‌های لرستان و پیشینه عقاید مهرپرستی و هندو ایرانی نقاشان دانست.

**واژه‌های کلیدی:** نگارگری ایران، معراج، براق، حیوانات ترکیبی، مفرغ لرستان

## ۱. مقدمه

توانمندی اندیشه موجود در آثار هنری نشأت گرفته از مایه‌های اساطیری در طی اعصار متوالی نقشی تأثیرگذار در تاریخ تمدن بشری داشته و بازسازی مداوم واقعیت‌های زندگی انسانی را ممکن ساخته است. پرداخت اثر هنری با استفاده از دستمایه‌های اساطیری نقش یافته در دوران باستان برخورد هنرمند را با جهان این اساطیر و کشف لایه‌های از یادرفته یا رنگ‌باخته آن‌ها ممکن می‌سازد و با دوباره‌سازی جهان اساطیری ابعاد جدیدی از ارتباطات انسانی به نمایش درمی‌آید.

اساطیر بیانگر بخشی از هنجارها و ارزش‌های مشترک فرهنگی، دینی، اخلاقی و رفتاری یک قوم یا ملت را در قالب هنر، ادبیات، دین و مطالعات اجتماعی و فرهنگی به منصف ظهور می‌گذارد؛ قدرت و نیرومندی نفوذ اندیشه‌های اسطوره‌ای را در لابه‌لای نقوش نگارگری ایرانی می‌توان مشاهده کرد. از جمله مضامین اعتقادی که در دوران بعد از اسلام همواره مورد توجه هنرمندان ایرانی و کشورهای همسایه قرار گرفته است، بازنمایی صحنه‌های مختلف "شب معراج پیامبر" مبتنی بر روایات دینی است که در شاخه‌های مختلف هنری به‌ویژه کتاب‌آرایی، نقاشی پشت شیشه، کاشی‌سازی و مانند آن ظهور می‌یابد. در این صحنه‌ها موجودی تخیلی - ترکیبی بنام "براق" با صورت انسان و بدن حیوان، به‌عنوان مرکب پیامبر حضور دارد.

در فرهنگ اسلامی منشأ و سرچشمه‌ای برای نقش موجودات ترکیبی خیالی پیدا نشده و چنان‌که مشهود است این نقوش سنت دیرپای هنر و تصویرسازی ایران باستان است که نمونه‌های آن را به کرات در آثار هنری پیش از اسلام چون آثار حجاری، ریتون‌ها و مهرهای هخامنشی، مجسمه‌هایی از دوره اشکانی، آثار زرین و سیمین و گچ‌بری‌ها، مهرها و بافته‌های دوره ساسانی می‌توان مشاهده کرد (دادور و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۶۷). به نظر الیاده هدف از این‌گونه ترکیب‌ها و تصاویر، رسیدن به نیروی مذهبی و خداگونه شدن است چنان‌که در آثار دوران تاریخی شاهد موجودات ترکیبی چون انسان یا حیوانات بالدار یا ترکیبی از حیوان بالدار با سر انسانی هستیم که غالباً نماد محافظ زندگی حیات شادی و پیروزی در ایران زمین بوده و از اعتقاد به حیات پس از مرگ نشأت می‌گیرند که در اندیشه مذهبی ایرانیان وجود داشته است. (همان، ۱۳۸۵: ۱۶۴)

پژوهشگران زیادی همچون ، غلامرضا معصومی (۱۳۸۸)، حبیب‌الله محمودیان (۱۳۷۷)، مینا صادق بهنام (۱۳۵۰)، بهمن کریمی (۱۳۴۶)، محمد سهرابی (۱۳۷۶) و سایرین بر روی مفرغ‌های لرستان و نقوش آن‌ها تحقیق کرده‌اند با این حال کارکرد و مفهوم بسیاری از این نقوش همچنان در پرده ابهام است. عدم معرفی و شناخت کافی از این نقوش موجب شده که تأثیرگذاری آن‌ها بر هنر ایران چه در دوران باستان و چه در دوران اسلامی مکتوم بماند. در این پژوهش به ذکر یک نمونه از نقوش ترکیبی انسان - حیوان به نام براق در نگارگری ایران دوران اسلامی و شباهت آن با نقوش مفرغی ذکر شده پرداخته می‌شود. که محققانی همچون وکیلی و دیگران (۱۳۹۴)، بیان داشته‌اند که نفوذ عقاید شخصی، باورهای عامیانه و همچنین نفوذ سبک هنری غرب در میان تصویرپردازان موجب عدم همخوانی بعضی از ویژگی‌های براق با روایات و تفاسیر اسلامی و شکل‌گیری نقش براق بدین سبک شده است.

۲. روش بررسی: این مقاله با روش توصیفی - تطبیقی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

### ۳. براق

براق یکی از موجودات ترکیبی-تخیلی از نوع «انسان- حیوان» است که در نگارگری ایرانی دوران اسلامی از حدود سده چهاردهم میلادی به بعد بسیار مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است. حضرت محمد(ص) سفر شبانه خود «معراج»، را سوار بر این موجود پیمود. در کهن‌ترین روایات اسلامی موجود از واقعه معراج، از این مرکب یاد شده است. داستان معراج از قول رسول اکرم در برخی روایات بدین گونه نقل شده که: من در مکه بودم که جبرئیل نزد من آمد و گفت: «ای محمد! برخیز». برخاستم و کنار در رفتم. ناگاه جبرئیل، میکائیل و اسرافیل را در آنجا دیدم. جبرئیل، مرکبی به نام «براق» نزد من آورد و به من گفت: «سوار شو». بر براق سوار شدم و از مکه بیرون رفتم. (طباطبائی، ۱۳۵۳: ۱۹) محمد(ص) این سفر باشکوه و بی‌سابقه را از خانه ام‌هانی یا مسجدالحرام آغاز کرد، ولی با همان مرکب به سوی بیت‌المقدس روانه شد و در مدت بسیار کوتاهی در آن محل فرود آمد. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۲)

#### ۳-۱. مفهوم لغوی براق

بیشتر لغت‌شناسان نام براق را - که هم به صورت مذکر و هم به صورت مؤنث به کار رفته است - از ریشه «برق» دانسته‌اند که به لحاظ سرعتِ فزون‌ازحد یا سفیدی و درخشش فوق‌العاده رنگ، بر این حیوان نهاده شده است (دمیری، ۱۳۶۴: ۱۶۵). در فرهنگ‌ها براق به طور مطلق، به معنی اسب آمده و ترکیباتی از قبیل براق برق تاز، کنایه از اسب دونده، براق جم (سلیمان)، کنایه از باد که تخت سلیمان را می‌برد، براق چهارم فلک، کنایه از آفتاب، و براق سیرت نیز به معنی تندرو نیز هست (باحقی، ۱۳۷۵: ۱۲۲).

#### ۳-۲. توصیفات ظاهری براق بر اساس روایات

توصیفات گوناگونی از براق وجود دارد: اشتهب (سیاه و سفید)، مه از (بزرگ‌تر از) حمار و کم از بغل (استر)، روی او چون مردم، سر او چون سر اسب، گردن او چون گردن شتر، سینه‌ی او چون سینه‌ی شیر، پشت او چون پشت شتر، پاهای او چون پاهای گاو، دنبالش (دمش) چون دنبال پیل، زینی بر پشت او از یک‌دانه مروارید، رکابش از یاقوت سرخ، لگامش از زبرجدسبز...

مرحوم علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار جلد ۱۸، نوشته است که پیامبر(ص) فرمودند: براق حیوانی بهشتی است که صورتش مانند انسان، دست‌وپایش مانند اسب، دمش مانند دم گاو، از استر کوچک‌تر و از درازگوش بزرگ‌تر، زینش از یاقوت قرمز، رکابش از درّ سفید، به هفتاد هزار لجام طلائی، لگام زده‌شده، دو بال دارد که به درّ و یاقوت و زبرجد زینت شده است و بین دو چشمش جمله لا اله الا الله وحده لا شریک له، محمد رسول‌الله(ص) نوشته شده است؛ اگر خدا به او اجازه دهد در مدت کوتاهی تمام دنیا را سیر می‌کند و دارای بهترین رنگ است، کلام انسان را متوجه می‌شود (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۱۶). در بسیاری از نگاره‌ها این موجود دارای بدنی از جانوران چهارپا همانند گاو، غزال یا اسب و سر یا نیم‌تنه‌ای از انسان (بیشتر سر زنانه) می‌باشد. این نوع براق حتی بدون بال توانائی پرواز را دارد و همیشه در حال صعود و پرواز نشان داده شده درحالی‌که حضرت محمد(ص) را سوار بر پشت خود دارد (تصویر ۱).

براق در روایات دارای توصیفات و مشخصات متفاوتی است و همین امر سبب شده تا در نگاره‌های مختلف با موضوع معراج، ظاهر گوناگونی از براق تصویر گردد. از دیگر سوی، گرایش به توجیه عرفانی واژه «براق» و

«معراج» و تفسیر آن به‌عنوان تمثیل در برخی متون چون معراج نامه ابن سینا نیز دیده می‌شود (ابن سینا، ۱۳۶۴: ۱۰۴)



تصویر ۲: معراج حضرت محمد (ص)، براق با دم طاووس، نگاره ایرانی، قرن هشتم هجری، کتابخانه ملی پاریس.



تصویر ۱: معراج حضرت محمد (ص)، خمسه نظامی، دوره صفوی، قرن دهم هجری، ۳۱×۱۹/۷ سانتی‌متر، گالری هنری فریر و ساکلر.

هنرمندان ایرانی برای تصویر کردن بسیاری از جزئیات براق علاوه بر توصیفات ظاهری ارائه‌شده در روایات و الهام از تندیس‌ها و نگاره‌های موجودات تخیلی هنر باستان همچون شیر دال، ابوالهول و کنتاور به خلق آثار خود پرداختند. اما نکته قابل‌تأمل این است که با توجه به گوناگونی ظاهر و ساختار براق در نگارگری نمی‌توان آن را به‌طور خاص در یکی از گروه‌های موجودات ترکیبی دوران باستان گنجانند. در بین مفرغ‌های لرستان لگام‌هایی با نقوش ترکیبی «انسان- حیوان» یافت شده که شباهت بسیاری به براق تصویر شده در نگاره‌های معراج دوران اسلامی داشته و قابل‌مقایسه با آنان است.

### ۳-۳. مفرغ لرستان

بخشی از قدیمی‌ترین آثار تاریخی ایران که بازگوکننده فرهنگ، تمدن و پیشینه‌های اساطیری این سرزمین هستند مفرغ‌های لرستان (۸۰۰-۲۵۰۰ ق.م) می‌باشند. باوجود آنکه هزاران سال از ساخت مفرغ‌های لرستان می‌گذرد اما هنوز این آثار گران‌بها از ارزش و درخشندگی و جایگاه ممتاز هنری برخوردارند. مفرغ‌های لرستان بیشتر زین‌وبرگ و براق اسب و زیورآلات زنانه و علامات و نشانه‌های استعاری و مذهبی می‌باشند و اکثر آن‌ها در گورستان‌هایی واقع در منطقه نورآباد دلفان در شمال غربی شهرستان خرم‌آباد کشف گردیده‌اند. دیاکونوف مورخ روس مهم‌ترین ویژگی‌های مصنوعات فلزی لرستان را این‌گونه برمی‌شمارد: «جالب‌ترین ویژگی مصنوعات مکشوف در لرستان تزئینات پیچ‌درپیچ است که به سحر و خدایان اساطیری مربوط است و به‌صورت نقوش آدمیان و ددان (بزکوهی، پلنگان، شیران، گاوان نر، اسب-گریفون که تن شیر و بال و سر عقاب و گوش‌اسب و تاجی چون بالمانی دارد، ابوالهول و غیره) که به وضع شگرفی تلفیق گشته، درآمده است» (سهرابی، ۱۳۷۶: ۱۸۳). «اکثر آثار مفرغی لرستان شامل زین‌وبرگ‌های اسب، براق، لگام، حلقه‌ها و

زینت‌آلات مربوط به لگام و دهنه‌ی اسبان و ارابه‌ها و اسلحه‌ها، منتسب به اواسط هزاره‌ی دوم (۱۲۰۰-۱۸۰۰ ق. م) هستند. در هزاره‌ی اول ق. م از ارابه‌ها در جنگ استفاده نمی‌شد یا کمتر استفاده می‌شد. بقیه‌ی آثار مفرغی از جمله بت‌ها، مجسمه‌ها و... متعلق به (۷۷۰-۱۲۰۰) ق. م می‌باشند» (معصومی، ۱۳۸۸: ۹۸-۱۰۱).

هنر لرستان، هنر سوارکاران و گله‌داران است که مدام در کوچ به سر می‌برده‌اند. از همین روست که تنها اشیاء کوچک حمل‌شدنی همچون اسلحه، دهنه، حلقه‌ی زین و یراق و ظروف را در برمی‌گیرد که همه باظرافت آراسته‌شده‌اند (صادق بهنام، ۱۳۵۰: ۴). دهنه اسب در قبرهای لرستان فراوان است در صورتی که در نقاط دیگر ایران غیر از نواحی طالش تعداد آن چندان زیاد نیست. این لگام‌های مفرغی دارای نقوشی خیالی، نماد گونه و اساطیری بوده و نسبت به سایر آثار به‌دست‌آمده در منطقه، از طبیعت‌گرایی کمتری برخوردار هستند. یکی از نقوشی که در این لگام‌ها بسیار به چشم می‌خورد نقش موجود ترکیبی «حیوان-انسان»، جانوری بالدار با بدن حیوان چهارپا (غزال، گاو یا اسب) و صورت انسان است. سر انسانی که معمولاً شبیه به زن است از محل گردن به تنه متصل شده است. کلاهی شاخ‌دار بر سر دارد. وجود این کلاه نشانه تقدس و ماورایی بودن این موجود است. حالت ایستادن، چهره و وجود تزئیناتی همچون گردنبند و... حالتی فاخرانه به این موجود بالدار داده است. در اکثر نقوش دارای دم گربه‌سان متمایل به بالا و دارای انحنای به عقب برگشته می‌باشد. در برخی از لگام‌ها برای نمایش دادن قدرت این موجود اساطیری، زیر پای وی موجود دیگری قرار دارد که به نظر می‌رسد مغلوب او شده است (تصویر ۳). از این توصیفات چنین برمی‌آید که باوجود اینکه موجودات ترکیبی گوناگونی در ایران باستان نقش شده‌اند اما به‌طور خاص این لگام‌های مفرغی شباهت بسیاری به تصویر براق در نگارگری دوران اسلامی دارند و شاید بتوان با توجه به قدمت تاریخی‌شان آن‌ها را بن‌مایه و پیشینه اساطیری بسیاری از موجودات ترکیبی از جمله براق دانست.



تصویر ۴: براق با بدن اسب، سر انسان و دم طاووس، منسوب به محمد زمان، موزه آستان قدس رضوی (طاهری، ۱۳۹۱: ۲۴-۱۵)



تصویر ۳: لگام برنزی اسب لرستان، قدمت ۲۸۰۰ — ۳۰۰۰ ق. م محل نگهداری موزه لوور ([www.louvre.fr](http://www.louvre.fr))

۳-۴. سیمای زنانه: بر اساس روایات براق صورتی چون انسان داشته و مانند او قادر به فهم آنچه است که می‌شنود. براق در بسیاری از نگاره‌ها باصورت زن نشان داده می‌شود. ابن بلخی در فارسنامه صورت براق را به‌صورت آدمیان با تاج بر سر شرح می‌دهد برخی دیگر براق را حیوانی سفیدرنگ نیمی از بدن همچون خر یا

قاطر با چهره انسانی همچون دختر زیبا و گوش‌های بلند و یال‌های پرپشت و دارای زین و دهنه مزین به سنگ‌ها و فلزات قیمتی. (Berti, 2000: 127) در تصاویر سر تاجدار براق طبق سنت معمول از گردن به تنه پیوند خورده است. تزئینات دیگری نیز شامل زین طلایی و گردنبند و گوشواره برای براق بکار برده شده است (تصویر ۴).

ترکیب "حیوان- زن" دارای سابقه و پیشینه‌ای قدیمی در تاریخ و فرهنگ اعتقادی ملل و به‌ویژه در باورهای عامه شرقی هست و می‌توان ترکیباتی از این دست مشاهده نمود (طاهری، ۱۳۹۱: ۲۴-۱۵). به‌عنوان مثال ابوالهول یا اسفنکس (با نیم‌تنه زنانه)، آمیزه‌ای از انسان با پیکره شیر، عموماً مزین به بال‌های عقاب و دارای سری شبیه سر زنان است و به نماد تعالی علم و دانائی شهرت یافته است. شاید استفاده از صورت زن برای براق نیز جهت اشاره به چنین مفهومی بوده است. در لگام‌های مفرغی لرستان نیز چهره‌ای زنانه برای این موجود اساطیری نقش شده است. جزئیات چهره همچون فرم صورت، چانه، گونه‌ها، ابروها و موها مؤید این امر است.

۳-۵. تاج: در بسیاری از پیکرک‌های مفرغی لرستان و همچنین در لگام‌های مفرغی مورد اشاره در این پژوهش از کلاهی شاخ‌دار به‌عنوان تاج، به نشانه تقدس و ماورایی بودن این موجودات استفاده شده است. در زمان باستان و تمدن‌های شوش، عیلام، بین‌النهرین و مصر استفاده از کلاهی شاخ‌دار به‌عنوان تاج شاهی و نمادی برای نشان دادن قدرت‌های ماورایی شاه مرسوم بود. همچنین شاخ گاو علامت عقل، خورشید یا ماه بوده است. (دادور و مبینی، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۱۳). صورت انسانی از محل گردن به تنه حیوان متصل شده است در محل اتصال نیز گردنبندی ساده به‌صورت چند نوار باریک و گاهی دارای قطعه‌ای مدال مانند، نقش شده است (تصویر ۵).



تصویر ۵: راست برنز لرستان، بخشی از لگام مفرغی (۱۲۰۰-۱۳۰۰ ق.م) (Moorey, 1991). چپ: اسب‌های بالدار (لگام مفرغی) مربوط به قرون ۷ و ۸ قبل از میلاد، موزه متروپولیتن نیویورک (www.metmuseum.org)

۳-۶. تنه: به دلیل گوناگونی اوصاف براق، نمی‌توان تصویر روشنی از این مرکب ارائه کرد. بنا بر روایات براق از چهارپایان بهشت و بسیار تندرو است و در هر گام به اندازه میدان دید خود پیش می‌رود. در صعود از بلندی‌ها دودستش کوتاه‌تر از دوپایش می‌شود و در موقع فرود، عکس آن روی می‌دهد تا سوار همواره در حالت افقی بماند. در بیشتر روایات آمده که براق جثه‌ای بزرگتر از الاغ و کوچک‌تر از قاطر دارد رنگ آن سفید و یالی پر

مو دارد این مرکب را اسب نیز خوانده‌اند (مجلسی، ۱۳۶۳: ۴۱۰). نگارگران ایرانی با استفاده از این تعاریف و همچنین بهره‌گیری از پیش‌زمینه‌های اساطیری فرهنگ خود نقشی را از براق ترسیم کرده‌اند که هرچند تا حدود زیادی به توصیفات ارائه‌شده از براق وفادار مانده اما وجهه‌هایی از موجودات اساطیری ایران و بین‌النهرین همچون لاماسو و اسفنکس را نیز دارا می‌باشد. هرچند تفاوت‌های عمده‌ای نیز با آن‌ها دارند به‌عنوان مثال گاوهای بال‌دار بین‌النهرین برخلاف اسفنکس‌های یونانی و برخی اسفنکس‌هایی که شبیه مصری‌ها هستند، با سر مردانه توصیف و ترسیم شده‌اند.

گاوهای بال‌دار بین‌النهرین ترکیبی از چهار مخلوق هستند که در بسیاری از حکاکی‌های باستانی نمایان است و به نماد چهار مخلوق بابلی تبدیل شده است. آن‌ها دارای بدن و دم شیر یا گاو و سر یک انسان (مرد) و بال‌هایی مانند عقاب هستند. در صورتی که براق دارای بدنی از جانوران چهارپا همانند گاو، غزال یا اسب و سر یا نیم‌تنه‌ای زنانه می‌باشد. این خصوصیات تصویری در مفرغ‌های لرستان به‌خوبی قابل‌مشاهده هستند. این موجودات اساطیری دارای بدنی به شکل اسب، گاو و یا غزال هستند که از محل گردن به سری انسانی متصل می‌باشند.



تصویر ۶: معراج پیامبر (ص)، ترسیم براق با بدنی شبیه به گاو قرن ۵۱۰ ق. / ۱۶ م. هند، کتابخانه بریتانیا، ([www.bl.uk](http://www.bl.uk))



تصویر ۸: ایران، برنز لرستان، قرن ۱۰۰۰-۸۰۰ ق.م، لگام اسب،  
۱۸/۵ × ۶۱/۲ سانتی‌متر) محل نگهداری موزه لوور  
(www.louvre.fr)



تصویر ۷: نگاره معراج حضرت محمد(ص) سوار بر براق با بدن  
اسب، حدود ۱۸۰۰ میلادی، کلکسیون کتابخانه عمومی  
نیویورک.



تصویر ۱۰: لگام مفرغی، هزاره اول - دوم ق.م موزه هنرهای  
زیبای بوستون (پوپ واکرمن، ۱۳۸۷، ج ۷: ۳۲) موجود  
اساطیری با بدنی شبیه به گاو



تصویر ۹: لگام مفرغی، لرستان، (۱۳۰۰-۱۲۰۰ ق.م)  
(Moorey, 1991) اندام ظریف و پاهای باریک این موجود  
تداعی‌کننده اندام غزال است.

گونه دیگر از براق به شکل ساجیستر از بروج فلکی الهام گرفته که تقویت مفهوم زندگی در آسمان‌ها و افلاک را تجسم می‌بخشد. به لحاظ ساختار بدنی مشابه انواع دیگر است ولی با این تفاوت که بر روی دم خود نیز نیم‌تنه بالایی یا سر انسانی را حمل می‌کند. همانند تصویر ۱۱ که بدن جانور شبیه به استر است ولی برخلاف انواع دیگر قسمت ترکیبی انسانی از بالاتنه کامل با بازوان و دستان تشکیل شده است و آرایش مو نیز با نمونه‌های دیگر متفاوت است داشتن دست و بازو او را به کنتاورهای دست‌دار کلاسیک نزدیک می‌کند فرم نیم‌تنه تاجدار عیناً بر روی دم مشابه‌سازی شده درحالی‌که یک شمشیر و یک سپر در دستان دارد.





تصویر ۱۱: حضرت محمد(ص) سوار بر براق، مینیاتوری از کتاب جامع‌التواریخ، از کهن‌ترین نگاره‌های معراج، کاغذ پوستی و سده هشتم هجری.

نمونه‌هایی از ساجیتر از نسخ دیگر همچون عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات القزوینی، بدون شک بر طراحی و خلق این نوع براق، تأثیر داشته است.



تصویر ۱۳: دهنه اسب، برنز، لرستان و به ارتفاع ۱۸,۷ س.م. و پهنای ۱۸,۲ س.م. سده‌ی هفتم یا هشتم پیش از میلاد، محل نگهداری موزه‌ی لوور.



تصویر ۱۲: کوکب، قنطورس، عجایب المخلوقات قزوینی، مکتب بغداد، قرن ۸ ه.ق. / ۱۴م. کتابخانه آکادمی علوم لنینگراد(زند حقیقی، ۱۳۹۰: ۵۰)

« قنطورس، قوس یا رامی صورت بزرگی است در منطقه البروج حیات کلی این صورت فلکی، ترکیب "انسان- حیوان" است که از سر تا کمر انسان و از کمر به پایین اسب و در بعضی موارد بدن یک حیوان درنده مثل شیر یا پلنگ است که با کمانی به دست و در حال پرتاب کردن تیر است» (تصویر ۱۲) (زند حقیقی، ۱۳۹۰: ۵۰).

تندیس تصویر ۱۳ که نمایی تمام‌رخ دارد، موجودی خیالی را به تصویر می‌کشد که نیمه انسان است. اندام ظریف این موجود به غزال شباهت دارد دوشاخی که بر سر این موجود هست نشانی از ماورایی بودن آن دارند.

انتهای بال این موجود، به سر هیولایی وحشی که در حال حمله‌ور شدن است ختم می‌شود که شباهت بسیاری به ساجیتر دارد و همانند (تصویر ۱۲) حیوان دوم در انتهای بال آن جای گرفته است. دم به حالت بافت شده و درهم‌پیچیده است به سمت بالا برگشته و به بال متصل است و مانند موها در انتها لوله شده است. این اثر که در دوره‌ی سوم عصر آهن ساخته‌شده، جفت دیگری نیز داشته که به هم متصل بوده‌اند ولی تنها این بخش باقی‌مانده است. این موجود افسانه‌ای بر روی جانور کوچکی ایستاده است که در حقیقت نشانگر قدرت اوست. این جانور همچنین خط زمینه‌ای که اثر بر روی آن بنا شده را تشکیل می‌دهد.

۳-۷. بال: یکی از صفات و توانایی‌های براق که همگی بر آن متفق‌القول هستند بدون شک توانایی پرواز به آسمان‌هاست هرچند که در برخی روایات و نگاره‌ها براق بدون بال باشد. باین‌حال در بسیار از آثار بال‌هایی برای براق تصویر شده است همان‌طور که بسیاری از سیره نویسان مانند ابن هشام، طبری و ابن سعد بال‌هایی روی پاهای براق توصیف می‌کنند. علامه مجلسی نیز در بحارالانوار (جلد ۱۸) آورده است که براق دو بال کوچک بر روی ران‌های خود دارد، (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۹۱) و آن را علاوه بر سفر شبانه پیامبر، مرکب پیامبران دیگر نیز خصوصاً حضرت ابراهیم (ع) معرفی کرده و همچنین خصوصاتی از گوش‌ها، چشم‌ها، دم، سم، رکاب، و لگام آن ذکر کرده است. (همان: ۹۷)، در برخی از نگاره‌ها هم براق دارای بال، با شیوه‌های مختلف نقش شده، همانند براقی که در نگاره احمد موسی ترسیم شده است. در این نگاره براق طبق سنت، ترکیبی از تنه حیوانی مانند گاو و سر انسانی زنانه دارای تاج و افسر بر روی سر و همچنین بال‌های ظریفی که به صورتی هماهنگ بادم به‌طرف بالا برگشته، نمایش داده شده است.

موجودات اساطیری منقوش در لگام‌های مفرغی لرستان با بال تصویر شده‌اند این بال گاهی به‌صورت واقع‌گرا همچون بال پرنندگان ترسیم شده و گاهی نیز به‌صورت انتزاعی و نمادین. ابتدای بال‌ها معمولاً به سرشانه این موجود اساطیری متصل و انت‌های آن از محل کمر به سمت بالا متمایل و قوس‌دار می‌باشد. لبه بال‌ها معمولاً کنگره‌دار و دارای خطوطی است که فرم بال را به‌خوبی نشان می‌دهند.



تصویر ۱۵: لگام مفرغی لرستان به شکل اسب بالدار، در حدود ۶۵۰-۱۰۰۰ موزه هنر لس‌آنجلس ([collections.lacma.org](http://collections.lacma.org))



تصویر ۱۴: حضرت محمد (ص) سوار بر براق، نگاره احمد موسی، اواسط قرن هشتم هجری، موزه تویقایی، استانبول. (طاهری، ۲۴: ۱۳۹۱-۱۵)

۳-۸. دم: در مجمع‌البیان در توصیف براق آمده است که « او دمی چون دم گاو و پاهای شتر مانند و یالی چون یال اسب دارد» باین‌حال در بین اشکال براق گونه‌هایی وجود دارند که دم آن‌ها مانند دم طاووس جمع و برگشته به بالا یا به‌صورت رهاشده ترسیم‌شده‌اند الحاق و درواقع جایگزینی دم طاووس برای این‌گونه براق‌ها ملهم از شیوه نقوش اساطیر از جمله سیمرغ‌های ساسانی منقوش بر روی ظروف سیمین یا پارچه‌های ابریشمین است.

دم طاووس دارای شخصیت خاص خود و بسیار برجسته است. دم این پرنده در هنر بسیاری از تمدن‌ها دارای معانی خاص خود است. طاووس در بسیاری از فرهنگ‌ها بهشت و پردیس، زندگی جاودانه و ابدی روح را نمادپردازی می‌کند. پرهای رنگارنگش تنوع خلقت را به خاطر می‌آورد. در اسلام، دم گسترده و باز شده طاووس، نماد کهکشان و عالم است. (طاهری، ۱۳۹۱: ۲۴-۱۵). در سایر نگاره‌ها برای براق دمی همچون گربه‌سانان نقش شده است که در حال دویدن، به سمت بالا نگاه داشته شده است. در حیوانات ترکیبی باستانی معمولاً دم با تنه تناسب دارد به‌عنوان مثال در نقوش مربوط به اسفنگس آن‌ها دارای بدن و دم شیر یا بدن و دم گاو نر و سر یک انسان (مرد) هستند. در دنیای باستان تنها مفرغ‌های لرستان دارای چنین ترکیبی (بدن چهارپا و دم‌گربه سان) می‌باشند. به‌طور عموم دم موجود اساطیری منقوش در لگام‌های مفرغی بسان گربه‌سانان است در برخی از نقوش به سمت بالا متمایل و در انتها گرد شده است و در برخی دیگر با همان حالت به سمت پایین آویزان است. و نکته قابل‌توجه اینکه در برخی لگام‌های مفرغی مورد پژوهش بیش از یک دم برای موجود اساطیری نقش شده است یک دم که شبیه گربه‌سانان نقش شده و دم دیگر که در بالای دم اول و متمایل به سمت بالا شبیه به دم طاووس می‌باشد.



تصویر ۱۶: راست، هفت طبقه آسمان، حمله حیدری، قرن سیزدهم هجری، معراج حضرت محمد (ص). (طاهری، ۱۳۹۱: ۱۵-۲۴) چپ: خاوران نامه، ابن حسام، اواخر نیمه دوم قرن ۱۱ه. ق. لندن، کتابخانه موزه بریتانیا، (دشتگل، ۱۳۸۹: ۲۰۷)





تصویر ۱۷: لته چانه‌ای دهنه، مفرغ، لرستان، هزاره دوم - اول ق.م. محل نگهداری موزه مترو پلیتن نیویورک، مجموعه اکرم - پوپ (پوپ، اکرم، ۱۳۸۸ ج ۷: ۳۳)





#### ۴. تطبیق مفهومی

معنای معراج در قرآن: «معراج در لغت به معنای نردبان و مصعد، جای بالا رفتن، بلند گردیدن و فراز آمدن است؛ همچنین عروج پیامبر اسلام به آسمان نیز است. در کتاب‌های عهد عتیق و جدید، به معراج شخصیت‌هایی چون ایلیا، یوحنا، پولس، مسیح و... اشاره شده؛ همچنان که در آیات مختلفی از قرآن کریم نیز از معراج پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، ادريس، موسی و عیسی (ع) سخن به میان آمده است. «کنگرانی، ۱۳۸۹: ۲۶۶-۲۶۷». «بر این اساس سفر ملکوتی پیامبر با عبور از مسجدالحرام به مسجدالاقصی آغاز و سپس با سفر آسمانی و عروج به آسمان‌های هفت‌گانه و ملاقات با پیامبران پیشین و فرشتگان و همچنین مشاهده‌ی بهشت و جهنم ادامه می‌یابد تا در نهایت ایشان در ملاقاتی بی‌واسطه، با خداوند متعال به گفت‌وگو می‌پردازند» (همان). و براق وسیله این سفر آسمانی و نائل شدن پیامبر به لقاءالله هست.

موجود اساطیری منقوش بر لگام‌های مفرغی لرستان نیز همین نقاش را ایفا می‌کند. ذکر این نکته لازم است که دهنه‌های اسب معمولان در زیر سر مردانی که دفن گردیده‌اند به دست آمده و افراد محلی اصطلاحاً به آن «زیرسری» می‌گویند. دهنه‌های مفرغی به شکل‌های مختلف حیوانات واقعی یا خیالی و ترکیبی چون اسب، به زکوهی، شیر، حیوانات بالدار مانند اسب و گاو و جانوران دو سر و ابوالهول و شخصیت‌های انسان گونه ساخته شده‌اند. این دهنه‌ها معمولان طوری ساخته شده‌اند که نمی‌توان تصور نمود برای سواری از آن‌ها استفاده می‌شده است به این معنی که بعضی از آن‌ها خیلی ظریف و کوچک و برخی بسیار سنگین و غیرقابل استفاده می‌باشند بعلاوه روی هیچ‌کدام از آن‌ها آثار سائیدگی که دلیل بر استعمال آن‌هاست دیده نمی‌شود» (کریمی، ۱۳۴۶: ۱۲۴-۱۱۴). این بدان علت است که کاسی‌ها معتقد بودند که با قرار دادن دهنه‌ی اسب در زیر سر مرده، ورود روح وی را به دنیا جاوید آسان‌تر می‌کنند اسب صاحبش را به دنیای دیگر

راهنمایی می‌کند] و دیگر نیازی نیست همچون اقوام دیگر به دفن اسب یا مجسمه‌ی آن بپردازند و دهنه‌ی آن به‌عنوان نمادی از اسب کافی به نظر می‌رسد. از این زیر سری‌ها تنها در قبور آن‌هم فقط در زیر سر مرده‌ها استفاده شده است» (معصومی، ۱۳۸۸: ۹۸-۱۰۱). پس این دهنه‌ها هم وسیله‌ای برای عروج ارواح هستند. کاسیان پیرو آیین میتراپیسم بودند و اعتقاد داشتند «میترا در آسمان ارواح پیروان را برای گذراندن از هفت طبقه آسمان راهنمایی می‌کند تا به طبقه هشتم که جایگاه نور و آرامش مطلق است برسند» (پارسا زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

جدول ۱- تطبیق ظاهری و مفهومی براق و لگام‌های مفرغی لرستان

لگام‌های مفرغی	براق	صورت زنانه به تاج سر
		
		تنه با ظاهر کاو- اسب و غزال

		<p>دم شنبه گربه‌سانان</p>
		<p>دم شنبه طاووس</p>
		<p>بال</p>
		<p>قطورس</p>
<p>وسیله عروج ارواح مردگان و گذراندن آن‌ها از هفت طبقه آسمان</p>	<p>وسیله به معراج بردن پیامبر و گذراندن ایشان از هفت طبقه آسمان</p>	<p>مفهوم</p>

## ۵. نتیجه

بسیاری از نقش‌ها و فرم‌های نگاره‌های دوران اسلامی همچون نقش موجودات ترکیبی، ریشه در فرهنگ و هنر قبل از اسلام و هنر ایران باستان همچون لرستان دارد. خلق موجودات ترکیبی به شکل دیوان و ددان به صورت کاربردی در مفرغ‌های لرستان تأثیر زیادی بر فرهنگ و هنر تخیلی ایران گذاشت به طوری که در دوران پس از آن ادامه حیات این هنر دیده می‌شود. هنر اسلامی به ویژه نگارگری از این موجودات «تخیلی- ترکیبی» (قبلاً آفریده شده) بهره زیادی برده است. یکی از نمونه‌های بارز آن تصویر براق در نگاره‌های معراج است. در تصویرسازی نقش براق می‌توان ادعا نمود که این موجود از فرم‌های ترکیبی موجودات نقش شده بر روی آلات مفرغین و ساختار و نوع مفصل‌بندی اندام‌ها از جمله چهره و سیمای انسانی به ویژه زنانه، تنه جانوران مختلف، دم و بال‌ها تأثیرپذیری داشته و الهام گرفته است و مشابهت‌های غیرقابل انکاری بین آن‌ها (با وجود فاصله زمانی) وجود دارد. به لحاظ مفهوم و کارکرد ماورایی و مافوق طبیعی بین آن‌ها ارتباط و اتصال

قابل توجهی برقرار است به نحوی که عامل ارتباط با فضایی آسمانی و غیرزمینی بوده و مرکوبی هستند که راکب خود را به دنیایی مافوق تصور بشری هدایت کرده و می‌برند. شاید یکی از دلایل دیگر ارتباط براق با آن‌ها را بتوان به دلیل وجود بقایا و رگه‌های افکار هندوایرانی و عقاید مهرپرستی باقی‌مانده در فرهنگ و باورهای ایرانیان دانست.

## منابع

- ابن‌سینا، (۱۳۶۴)، *معراج نامه ابوعلی سینا*، مشهد، چاپ نجیب مایل هروی.
- پارسا زاده، عبدالعلی، (۱۳۹۳)، *آیین مهرپرستی بن مایه ادیان*، تهران، آرون.
- پوپ، آرتر آپم. اکرم، فیلیپس، (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*، مترجم نجف دریابندی و دیگران، جلد ۷، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام، (۱۳۸۵)، *اسطوره و نمادهای ایران و هند عهد باستان*، تهران، کلههر، الزهرا.
- دادور، ابوالقاسم و مبینی، مهتاب، (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی نقش گاو در اساطیر و هنر ایران و هند»، *مطالعات ایرانی*، شماره ۱۴، صص ۱۱۵ - ۱۳۰.
- دمیری، محمد بن موسی، (۱۳۶۴)، *حیاه الحيوان الکبری*، قم.
- زند حقیقی، مریم، (۱۳۹۰)، «بررسی سرچشمه‌های ادبی و تصویری موجودات تخیلی کتاب "عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات" قزوینی»، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، استاد راهنما: علیرضا طاهری، دانشکده هنر سیستان و بلوچستان.
- سهرابی، محمد، (۱۳۷۶)، *لرستان و تاریخ قوم کاسیت*، خرم آباد، افلاک.
- شین دشتگل، هلنا، (۱۳۸۹)، *معراج نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی با نگاهی به پیکر نگاری حضرت محمد(ص) سده‌های ۱-۱۴ ه. ق.*، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- صادق بهنام، مینا، (۱۳۵۰)، *مفرغ‌های لرستان و صنایع فلزی اسلامی*، چاپ دوم، خرم آباد، موزه فلک‌الافلاک.
- طاهری، علیرضا، (۱۳۹۱)، «بررسی ساختار فیزیکی براق در نگارگری ایران»، *فصلنامه هنرهای تجسمی نقش مایه*، سال پنجم، شماره دهم، صص ۲۴-۱۵.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۵۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت.
- کریمی، بهمن، (۱۳۴۶)، «تمدن آریاییها و خط سیر آنها و برنز لرستان»، *بررسی‌های تاریخی*، شماره ۶، سال دوم، صص ۱۱۴-۱۲۴.
- کنگرانی، منیژه، (۱۳۸۹)، «نگاره‌های معراجی»، *فلسفه کلام و عرفان*، شماره ۱۱، صص ۲۶۶-۲۶۷.
- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، (۱۳۶۳)، *بحارالانوار*، ج ۱۸، بیروت.
- محمودیان، حبیب‌الله، (۱۳۷۷)، *بررسی آثار برنزی ایلام و لرستان*، تهران، سبز رویش.
- وکیلی، هادی. لعل شاطری، هادی، (۱۳۹۴)، «بررسی میزان انطباق تصویر براق درمعراج نگاری های عصر قاجار با روایات اسلامی»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۷۰-۴۹.
- یا حقی، محمد جعفر، (۱۳۷۵)، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، تهران، سروش.
- معصومی، غلامرضا، (۱۳۸۸)، «لرستان؛ کاسی‌ها و شاهکارهای هنری و مفرغی»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۳۳، صص ۹۸-۱۰۱.

Berit G., 2000. *Les mondes de l'Au-delà*, Paris, Gründ.

Moorey, R., 1991. *A century of Biblical Archaeology UK*, James Clarke and Co Ltd.

[www.louvre.fr](http://www.louvre.fr).

[www.collections.lacma.org](http://www.collections.lacma.org).

[www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org).

[www.bl.uk](http://www.bl.uk).